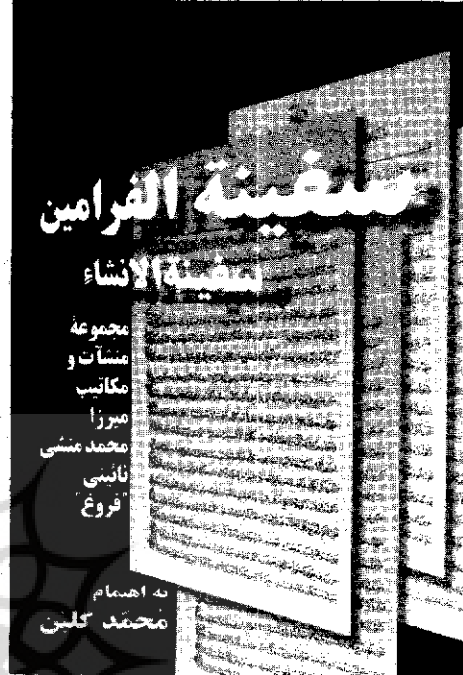


- سفینه‌الفرامین (سفینه‌الانشاء) مجموعه منشآت و مکاتیب میرزا محمد منشی نائینی «فروغ»
- تدوین: میرزا اسدالله نائینی
- اهتمام: محمد گلبن
- ناشر: پیغام، خرم‌آباد، چاپ اول، ۱۳۷۷



مؤلف سفینه‌الانشاء از مترسلان و ادبای برجسته عهدقاجار است که تاکنون این یگانه اثر ارزشمند وی بطور کامل منتشر نشده بود. آقای محمد گلبن از شعرا و فضیلاى پرکار همتی مبذول داشت، در واقع احیاگر این گنجینه نفیس تاریخی و ادبی گردید. نام مؤلف میرزا محمد نائینی منشی‌باشی ادیب و فقیه و شاعر با تخلص «فروغ نائینی» از منشیان طراز اول در عهد فتحعلی شاه بود. دوران حیات او را، شاید با اندک اختلاف بین سالهای ۱۱۷۳-۱۲۶۷ هجری قمری دانسته‌اند. مکتوبات وی دوران پادشاهی آقامحمدخان، فتحعلی شاه، محمدشاه و چند سال اول سلطنت ناصرالدین شاه را دربر می‌گیرد. منشآت میرزا محمد نائینی منشی مجموعاً ۲۲۵ فقره به صورت نامه، فرمان، شعر و حتی زیارت‌نامه در گنجینه مورد نظر گردآمده است که به جرات می‌توان گفت همه احکام و فرامین اهمیت فوق‌العاده تاریخی دارد. فراهم آورنده و تبویب‌کننده اولیه آن میرزا اسدالله نائینی، به ظاهر فرزند کاتب معرفی شده که به گمانم و با توجه به دلایلی که ذکر خواهد شد، این مورد قابل تردید است. این مجموعه مهم به دست یک ناشر ناآشنا و غیرحرفه‌ای به صورت نازیبا همراه با غلط‌های فراوان و اشکال فنی (چند مورد در صفحات ۲۳، ۱۵۳، ۲۶۳ و ۲۶۶ دیده شد) عرضه شده است. ناشر شهرستان که متأسفانه ظاهراً این گنجینه نفیس را حبس نموده، یا فقط در منطقه محل کار خود توزیع نموده، و به تهران و سایر نقاط ایران نرسیده است. آقای گلبن که خود اهل حرفه است و سابقه ممتد در کار نسخه‌خوانی دارد چگونه رضا داده این اثر معتبر که می‌تواند از این به بعد یک «منبع مطمئن تاریخی» شناخته شود در یک شهرستان و با امکانات ضعیف به چاپ رسانده شود. اکنون که نگارنده این مجموعه را معرفی می‌کند، طبعاً علاقه‌مندان «تاریخ جو» از دست‌یابی به آن محروم هستند. چه مانعی وجود داشت اگر ناشر محترم تعدادی از نسخه‌ها را در چند کتابفروشی مقابل دانشگاه تهران به امانت می‌گذاشت تا جویندگان کتاب به آن مکان‌های معین مراجعه می‌نمودند. حتی از این کار ساده هم دریغ شده است. این مجموعه گرانبها حتماً می‌بایستی در کتابخانه‌های دانشگاه‌ها جای گیرد که دانشجویان

# سفینه‌الفرامین (سفینه‌الانشاء)

مجموعه منشآت و مکاتیب  
میرزا محمد منشی نائینی «فروغ»

○ محمدرَسُول دریاگشت

گرامی رشته‌های تاریخ و ادبیات سهل‌تر به آن دسترسی پیدا کنند. متأسفانه اساتید و پژوهشگران تاریخ از این گنجینه مستفید نخواهند شد. این وضعیت نشر و توزیع منطقه‌ای انحصاری را اینجانب در چند استان کشور دیده است. امیدوارم فکر اساسی برای این معضل پیچیده فرهنگی بشود.

نام اولیه مجموعه در روی جلد سفینه‌فرامین قید شده که نگارنده هیچ کجا این نام را در داخل متن نیافت. هیچگونه توضیح هم در این خصوص دیده نشد. مؤلف با فضیلت، عم **میرزا جعفر طرب نائینی** است. طرب نائینی در انشای نظم فارسی و عربی و ترکی و انشای منثورات و رسائل مکتوبات ماهر بوده. در یزد منشی محمد ولی میرزا حاکم وقت و رئیس دیوان او بود... در اواخر عمرش کار او به جنون کشید. در اوایل سلطنت محمدشاه درگذشت. دیوان شعر او باقی مانده است.<sup>۱</sup> دکتر نوایی در حاشیه شرح حال طرب اشاره فرموده‌اند که در مجمع الفصاحی هدایت با نام **میرزا محمد جعفر** فرزند **میرزا محمد حسین نائینی** برادر میرزا محمد منشی‌باشی یاد شده است. در همین کتاب زیر نام «فروغ» چند شاعر در عهد قاجار معرفی شده‌اند که هیچ کدام شاعر مورد نظر ما نیستند، و اشاره در مقدمه کتاب به یکی از این سه نفر سهواست. مؤلف حدیقه الشعرا زیر نام میرزا محمد نائینی (جلد سوم، ص ۱۵۶۴) وی را به این شرح معرفی کرده است که ظاهراً از نظر گردآورنده اخیر پنهان مانده بوده است: «عم میرزا جعفر طرب است که ذکرش گذشت. میرزای مذکور از معارف و منشیان زمان خود بوده و همه جا و نزد هر کس منشآتش پسندیده و مطبوع. شعر عربی و فارسی هم می‌گفته. چند شعر از ایشان را در تذکره احوال نائین دیدم. بعضی از آن نقل شد. قلیل زمانی است که رحلت کرده».

شاید قدیمی‌ترین ماخذی که از میرزا محمد منشی‌باشی نائینی یاد شده در منشآت **قائم مقام فراهانی** است که طی نامه‌ای به برادر خود **میرزا موسی خان** چنین نوشته است: «... روز بعد از عید پیشکش خراسانی‌ها را به سلام دیوانخانه آوردند. میرزا محمد نائینی عریضه خوان حاضر نبود. اسبها را با شالها و عریضه به حضور آوردند. محمودخان عریضه را در آورد و هر قدر تحنح کرد و انتظار کشید هیچکس از صف میرزا [ها] بیرون نرفت عریضه را بگیرد. آخر شاه اشارتی فرمود پسر<sup>۲</sup> میرزا اسدالله رفت و عریضه را طوری غلط و بد و مهوع خواند که سلام ملوث شد و شاه متغیر، میرزا هدایت دمق به صف آمد و محمودخان دمق از دیوانخانه در رفت و شاه دمق از تخت برخاست و خراسانی‌ها تعجب کردند...»<sup>۳</sup> البته تاریخ تحریر این نامه احتمالاً ۱۲۳۹ یا ۱۲۴۰ قمری

است. اشاره به پسر میرزا اسدالله هیچ ربطی به گردآورنده سفینه‌الانشاء نیست. در رابطه با نام میرزا اسدالله منشی که فرزند کاتب معرفی شده نگارنده با آقای گلبن مذاکره داشتم و تردید خویش را ابراز نمودم. ایشان اشاره‌ای فرمودند به کتاب تاریخ بیداری ایرانیان نوشته **ناظم الاسلام کرمانی** و اینکه آنجا از شخصی به نام **میرزا اسدالله خان نائینی** منشی سفارت روس نام برده شده، و او شاید همان فرزند میرزا محمد نائینی و گردآورنده سفینه‌الانشاء بوده باشد. نگارنده به کتاب مذکور مراجعه کردم. نام این شخص در صفحات ۲۸۶، ۲۹۵، و ۳۲۲ بعنوان منشی سفارت روس معرفی شده و در وصف او می‌نگارد «می‌گوید این جوان نهایت سعی و کوشش را در سابق داشت» (ص ۲۸۶)، «آقا میرزا اسدالله خان نائینی که از جوانان با علم و عمل و مشروطه خواه است و در این ایام خیلی به درد مردم خورده است» (ص ۲۹۵).<sup>۴</sup>

مطلب فوق در ذکر وقایع سال ۱۳۲۷ ه. ق آمده و اشاره به جوان بودن میرزا اسدالله خان نائینی در آن ایام، هیچ ارتباطی با میرزا اسدالله خان که در سال ۱۲۶۶ ه. ق مجموعه سفینه‌الانشاء را فراهم آورده ندارد. فقط در نائینی بودن و همنام بودن وجه اشتراک دارند. بین دو تاریخ بیش از شصت سال فاصله است.

کتاب دیگری که در آن گویا چند بار از میرزا محمد منشی نائینی نام برده شده جامع جعفری همان **طرب نائینی** است که ذکر آن گذشت.<sup>۵</sup> طرب در این کتاب **میرزا محمد منشی** را «منشی دیوان اعلی» که اغلب منشآت دربار را می‌نوشته معرفی کرده است. استاد **ایرج افشار** در مقدمه کتاب اشاره کرده است که از **میرزا اسدالله** بعنوان فرزند **میرزا محمدجائی** نام برده نشده است. در همین کتاب مورد بحث ما هم (صفحه بیست و پنج مقدمه) اسامی فرزندان **میرزا محمد** ذکر شده که اشاره‌ای به **میرزا اسدالله خان** نیست. در نامه‌های مندرج در کتاب از فرزند دیگر **میرزا محمد نائینی** با نام «**عبدالحسین**» (نامه ۱۸۸، ص ۲۷۵) یاد می‌شود که البته به این فرزند هم در مقدمه اشاره نشده است.

به طوری که آقای گلبن در مقدمه یادآوری کرده‌اند گویا **عبدالحجه بلاغی نائینی** معروف به **حجت بلاغی** در کتاب تاریخ نائین<sup>۶</sup> برای اولین بار شرح جامعی از خاندان و احوالات **میرزا محمد منشی نائینی** نوشته‌است. وی اشاره می‌کند که **میرزا محمد** در عهد فتحعلی شاه لقب منشی‌باشی داشته و وزیر دربار پادشاه بوده و فرزند ارشدش **میرزا محمد تقی** به وزارت حکومت اصفهان منصوب شده بود. همچنین می‌نویسد که سفینه‌الانشاء تالیف **میرزا محمد منشی** است که **اسدالله منشی نائینی** آن را منظم ساخته

است.

در کتاب تذکره سخنوران نائین<sup>۷</sup> **میرزا محمد منشی نائینی** این چنین معرفی می‌شود: «نامش **میرزا محمد فرزند میرزا ابوالحسن شریف**، آن مرحوم قبلاً منشی آقا محمدخان قاجار و سپس وزیر دربار فتحعلی شاه بوده، انشائش به مرتبه‌ای است که مرحوم قائم مقام در کتاب منشآتش برای تمجید از نویسنده‌ای می‌گوید «وی در ترسل به پایه میرزا محمد نائینی می‌رسید.» از آثار او کتاب سفینه‌الانشاء است که نسخه منحصر آن به خط **میرزا اسدالله منشی‌باشی نائینی** و یکی از کتب نفیسه کتابخانه مدرسه شهید مطهری (سپهسالار سابق) و دارای نکات مهمه تاریخی می‌باشد و اشعارش نیز در آن ثبت است». نوشته مذکور احتمالاً از کتاب حجت بلاغی گرفته شده است.

مطلب دیگری که قابل یادآوری است اینکه در مقدمه‌ای که بعنوان دیباچه در معرفی کتاب در ابتدای مجموعه آمده، نام **میرزا اسدالله نائینی** داخل [ ] آورده شده، بدون اینکه فرزند مؤلف معرفی شود. این بدان معنی است که یک نام الحاقی است و از اول در مجموعه نبوده، حالا چه کسی افزوده است معلوم نیست؟! آقای گلبن در مقدمه به نکته جالبی اشاره می‌کند و می‌نویسد: «باری، به گمان ما یا از سفینه‌الانشاء نسخه‌ها و رونویس‌های متعدد در دست بوده و یا در وضع و جایی بوده که اهل قلم آن روز به آسانی به آن دسترس داشته‌اند و از آن بهره برده‌اند و آن را سرمشق خود در کتابت و تالیف و تدوین و تبویب آثار خویش قرار داده‌اند، چنانکه مثلاً میان برخی فصول المآثر الآثار (که **اعتماد السلطنه** آن را در ۱۳۰۴ ق تالیف کرده است) با بخش اول سفینه‌الانشاء (که در تاریخ خانواده قاجار، سرمشاه قاجاریه، سلطنت فتحعلی شاه، اقدامات عمرانی زمان او و غیر اینها) مشابهت تمام، حتی در عنوان بندی می‌توان مشاهده می‌شود و در نتیجه این گمان قوت می‌گیرد که **اعتماد السلطنه** به سفینه دسترسی داشته و از آن بهره‌مند شده بوده است».<sup>۸</sup> چند جمله‌ای از دیباچه نوشته به ظاهر **میرزا اسدالله نائینی** را با هم بخوانیم «... چون سرکار مقرب الخاقان ولی النعم، مرحمت توامان آقا **میرزا محمد نائینی** با آنکه همواره در دیوان عطار دیر سلاطین معدلت آیین به ارتکاب مشاغل خطیر از جمیع اقربان برتر بودند، ابتدا به جمع هیچ اسبابی اعتنا نمودند، والای نظم و نثری که از بحر بی نظیر خاطرشان به رشته بیان آمد، چون دیگران ضبط مخزن کتابی نفرمودند، و از آنجا که بهای آن جوهر گرانبها چنین است که ارباب انصاف و بصیرت ملاحظه می‌فرمایند، کمترین به جمع آن جمله در یک جا پرداختم، بعد از استیذان آن را به

«سفینه الانشاء» مسمی ساختم [میرزا اسدالله نائینی] سنه ۱۲۶۶.

دو سه نکته لازم است یادآوری شود. اولاً نمونه‌ای از خط کاتب میان کتاب نیامده، الا آنچه در پشت جلد کتاب منعکس است. ثانیاً گویا همین میرزا اسدالله از روی اصل مکاتیب میرزا محمد مجدداً بازنویسی کرده، از خط این شخص اخیر هم نمونه‌ای در کتاب نیست (بیشتر به نظر می‌آید میرزا اسدالله نائینی خوشنویس بوده باشد)، ثالثاً نامه‌ها با اینکه در ابتدای هریک نمره زده شده، اما به توالی نیست. ظاهراً به همان صورتی که در کتابچه بوده عیناً توسط آقای گلبن استنساخ گردیده است. احتمال سهو و لغزش در قرائت نامه‌ها هم وجود دارد، بویژه اینکه لازم بود برای هر نامه که جنبه تاریخی بسیار قوی دارد توضیحات کافی و لازم برای خواننده در پای هر صفحه، یا در پایان هر نامه داده می‌شد، باتوجه به روش حروفچینی که کامپیوتری است دور از ذهن نیست که افتادگی و بدخوانی نیز در متن نامه‌ها روی داده باشد. بخصوص اینکه چند مورد دیده شده است.

نکات دیگری که باید گفته آید اینکه بعضی نامه‌ها بدون تاریخ است، و خود میرزا اسدالله نائینی این نامه‌ها را چگونه به ردیف گذاشته است مشخص نیست! آیا همه نامه‌ها و منشآت می‌که میرزا محمدنائینی در طول شصت سال نوشته همین تعداد است؟ به گمان باید خیلی بیش از اینها بوده باشد. آیا اصل نامه‌های میرزا محمدمنشی نائینی که خود کاتب و خوشنویس بوده اکنون کجاست؟ همین دو سه نامه‌ای که به گفته آقای گلبن به خط مؤلف است و روی جلد کتاب انعکاس یافته کجا بوده که نمونه واضح و اصلی آن داخل متن گنجانده نشده است؟! دو نامه‌ای که به خط افراد دیگری است به چه مناسبت در لابلای کتاب به چاپ رسانده شده. شماره نسخه مضبوط در مدرسه شهید مطهری در هیچ ماخذی که به آنها اشاره گردید آورده نشده. آقای گلبن گرامی ان شاءالله باید به همه این چراها در

### منشآت میرزا محمدنائینی منشی مجموعاً ۲۲۵ فقره به صورت نامه، فرمان، شعر و حتی زیارت نامه در گنجینه مورد نظر گردآمده است و دوران پادشاهی آقا محمدخان، فتحعلی شاه، محمدشاه و چند سال اول سلطنت ناصرالدین شاه را در بر می‌گیرد

چاپ جدید پاسخ دهد.

چون بررسی همه نامه‌ها در این مقدار نگارش مقدور نبود، به چندین مورد از احکام و فرامین بطور نمونه اشاره می‌کند تا به اهمیت تاریخی این گنجینه بیشتر پی ببرید:

- در ابتدا مختصری از احوال و انساب خاندان قاجار و مجملی از اوضاع در عهد آقا محمدخان قاجار نوشته شده است.

- در ذکر جلوس فتحعلی شاه در سال ۱۲۱۲، حکام جدید ولایات را معرفی می‌نماید (ص ۱۴ و ۱۵).

- نام مساجد و مدارس و عمارات که در عهد فتحعلی شاه ایجاد شد، و ذکری از موجودی خزائن مملکتی و عتیقه جات و جواهرآلات سلطنتی، تا جایی که در مورد رواج اعمال دینی مردم می‌نویسد: «ادای مناسک حج اسلام و حصول زیارت مشاهد ائمه کرام که همیشه اهل تشیع را با تحمل بار تقیه و التباس و تقبل مال و خراج بی‌قیاس، در غایت صعوبت بود، امروز بعون الله تعالی پای تردهشان در جمیع ساحات روم به راه تحکم باز است...» (ص ۲۴).

- تعدادی از شعرهای فتحعلی شاه را نقل می‌کند. (ص ۲۶ و ۲۷)

- (نمره ۶، ص ۴۰) مجملی از اوضاع و احوال

و اسباب ارتقاء و انتقال مرحمت و غفران پناه حاجی محمدحسین خان صدراعظم دیوان اعلی<sup>۱</sup>.

- (نمره ۷، ص ۴۴) صورت صلح نامه اول گلستان که فیما بین دولتین ایران و روس منعقد شد. (۱۲۲۸ ق / ۱۸۱۳ م).

- (نمره ۹، ص ۵۰) صورت عهدنامه‌ای که در سال ۱۲۲۷ بین ایران و انگلیس به امضاء رسید.

- (نمره ۱۰، ص ۵۴) تصدیق نامه همایون که بر مصالحه جدید با دولت عثمانی مرقوم کلک منشیان بلاغت مبنای گردیده، اگرچه کاتب را در تسوید مداخلت کلی نبوده، اما چون عهدنامه دولتهای دیگر نوشته شده، ثبت این ضبط شرایط را مناسب بود.

- (نمره ۱۱، ص ۵۸) دیدار و گفتگوی میرزا محمدنائینی با دو نفر سیاح چینی که در زمان فتحعلی شاه به ایران آمدند<sup>۲</sup>.

- تعدادی خطبه و زیارت نامه (بین صفحات ۷۵ تا ۷۸).

- صورت وقفنامه (دو مورد).

- (نمره ۳۹، ص ۹۳) دیباچه‌ای بر وصیت نامه میرزا ابوالحسن خان شیرازی در سال ۱۲۶۰.

- (نمره ۴۰، ص ۹۵) مقدم ذکر ورود ایلچی دولت روس<sup>۳</sup>.

- (نمره ۴۳، ص ۱۱۵) در وصف عمارت کاخ بلور در دارالخلافه در سال ۱۲۲۷ به نظم و نثر.

- (نمره ۴۸، ص ۱۲۵) نامه همایون به پادشاه انگلیس.

- (نمره ۴۹، ص ۱۲۶) نامه همایون که در جواب نامه امپراتور روس درخصوص فوت الکساندر وانج امپراتور سابق نوشته.

- (نمره ۵۴، ص ۱۳۲) نامه همایون که در جواب پادشاه فرانسه درخصوص پادشاهی خود نوشته.

- (نمره ۵۸، ص ۱۳۵) رقیمة همایون به کامران میرزا<sup>۴</sup>. فرستادن احمد علی میرزا فرزند خویش به خراسان بعنوان حاکم و سفارش به رضا قلی خان ایلخانی در مورد همکاری با وی.

سفیران خارجی مقیم ایران در عهد فتحعلی شاه و وزیران فتحعلی شاه (از کتاب سفینه‌الفرامین صفحه ۲۳۴)



- (نمره ۶۴، ص ۱۴۱) التفات نامه همایون شاهنشاهی به ولیعهد و پادشاه انگلیس در سنه ۱۲۲۷<sup>۱۶</sup>.

- (نمره ۷۰، ص ۱۴۳) در سنه... جنرال کربایدوف ایلچی دولت روس که مقیم ابد مانوس بود و در دارالخلافه طهران به قتل رسید<sup>۱۷</sup>.

- (نمره ۸۴، ص ۱۵۸) در یکی از غزوات جهاد که اغلب علمای بلاد حاضر بودند. جناب مجتهدالزمان ملااحمد نراقی بر جمله سبقت گزید...

- (نمره ۸۹، ص ۱۶۴) رسیده همایون که به اعلام ولیعهدی نواب کامیاب شاهزاده محمدمیرزا به بعضی فضلا نوشته (سال ۱۲۵۰).

- (نمره ۹۴، ص ۱۷۰) فرمان امان نامه امان الله خان والی کردستان (سال ۱۲۳۳).

- (نمره ۱۰۰، ص ۱۷۸) فرمان طبابت خاصه نواب محمدرضامیرزا و طبیب‌باشی گری گیلان به اسم عالیجاه حاجی میرزا نصیر<sup>۱۸</sup>.

- (نمره ۱۱۰، ص ۱۸۸) فرمان قوللر آقاسی باشی عالیجاه فتحعلی خان قاجار قزوینی در سال ۱۲۳۴.

- (نمره ۱۱۷، ص ۱۹۴) فرمان لقب نظام العلمایی عالیجاه میرزا محمدحسن (در سال ۱۲۳۸).

- (نمره ۱۱۸، ص ۱۹۵) فرمان منصب ملک‌الشعرایی مقرب الخاقان محمدحسین خان کاشانی<sup>۱۹</sup>.

- (نمره ۱۲۸، ص ۲۰۵) صورت فرمانی که درخصوص قنوات وقفی نواب رکن‌الدوله در قزوین مرقوم شده (در سال ۱۲۴۸).

- (نمره ۱۲۹، ص ۲۰۶) فرمان وزارت عساکر منصور به اسم مقرب الخاقان میرزا نصرالله ملقب به میرزا آقاخان (در سال ۱۲۴۸).

- (نمره ۱۳۲، ص ۲۰۹) صورت فرمان منشی‌الممالک دیوان همایون به اسم مقرب الخاقان میرزا محمدتقی منشی (در سال ۱۲۴۵).

- (نمره ۱۳۴، ص ۲۱۱) فرمان لقب حشمت‌الدوله نواب محمدحسین میرزا (در سال ۱۲۴۵)<sup>۲۰</sup>.

- (نمره ۱۳۷، ص ۲۱۳) فرمان همایون که به

اعطای لقب معتمدالدوله به اسم مقرب الخاقان منوچهرخان صادر شده (در سال ۱۲۴۵).

- (نمره ۱۴۰، ص ۲۱۷) شرح فرمان به مقرب الخاقان خسرو خان بیگلربیگی دارالسلطنه اصفهان و ولایات گیلان (در سال ۱۲۴۸).

- (نمره ۱۴۵، ص ۲۲۲) فرمان تفویض نیابت سلطنت و ولایت عهد دولت به اسم اشرف نواب کامیاب مالک رقاب شاهزاده جهان آرا محمدمیرزا (در سال ۱۲۵۰).

- (نمره ۱۴۹، ص ۲۲۷) فرمان تفویض منصب وزارت اعظم دیوان و اعطای لقب اصف‌الدوله به امیرالامراء العظام اللهیار خان<sup>۲۱</sup>.

- (نمره ۱۵۲، ص ۲۳۰) فرمان ولیعهدی نواب شاهزاده آزاده ناصرالدین میرزا از دیوان شاهنشاه غازی (در سال ۱۲۵۲).

- (نمره ۱۵۷، ص ۲۳۷) فرمان جراح باشی حاجی میرزا امین شیرازی از دیوان شاهنشاه جهان پناه غازی محمدشاه.

- (نمره ۱۷۹، ص ۲۶۶) مکتوبی که از جانب مقرب الخاقان امین‌الدوله عبدالله خان<sup>۲۲</sup> به والی کشور سند نوشته شده.

- (نمره ۱۸۸، ص ۲۷۵) رقعهای که به یکی از ارباب خط در سفارش تعلیم یکی از فرزندان<sup>۲۳</sup> مستعجلاً نوشته شد.

- (نمره ۱۸۹، ص ۲۷۶) ذریعه‌ای که به یکی از امرا در سفارش فرزند ارشد میرزا محمدتقی سمت نگارش یافت.

● ● ●

حدود بیست صفحه از کتاب هم اشعار میرزامحمدفروغ نائینی منشی نقل شده که یک رباعی و دو غزل وی اینجا آورده می‌شود.

غلیبان صفتم دود بلند از دل تنگ<sup>۲۴</sup>  
 بر شیشه صبرم از فلک آید سنگ  
 سرپوش فلک اگر نباشد افغان

سفران خارجی مقیم ایران در عهد فتحعلی‌شاه و وزیران فتحعلی‌شاه (از کتاب سفینه‌الفرمان صفحه ۲۴۴)

از پرده دل به عرش گیرد آهنگ  
 غزل  
 عاقبت عشق بُتان خوش ثمری داد مرا  
 به خدا ره ز خدا بی خبری داد مرا  
 داد قاصد خبر آمدن یار به من  
 جان فدایش که چه نیکو خبری داد مرا  
 آن نهالی که به خون جگرش پروردم  
 بنگر آخر که بجز غم چه بری داد مرا  
 کرد چون بسته دام غم عشقم، گیرم  
 بهر پرواز فلک بال و پری داد مرا  
 از جهان قسمت هرکس چو فلک داد «فروغ»  
 دل پر خونی و خونین جگری داد مرا  
 تا بگیرم ز فلک داد خود، اما صد سُکر  
 که خدا ره به در دادگری داد مرا  
 شاه شاهان جهان فتحعلی شاه که او  
 برتری بر فلک از یک نظری داد مرا  
 غزل  
 کار دل زار شد از یار بین زاری دل  
 کیست یارب که درین کار کند یاری دل  
 دل گرفتار غم و من ز غم دل افکار  
 به دل افکاری من بین و گرفتاری دل  
 در ره عشق فرومانده دل از کار و مرا  
 نیست کاری بجز از غصه بیکاری دل  
 خوار شد دل به سر کوی تو و من شده خوار  
 در جهان پیش عزیزان همه از خواری دل  
 من و دل هر دو خجل از هم و درمانده به خود  
 دل ز بیماری من، من ز پرستاری دل  
 پیش دلدار ز من هیچ دگر یاد نکرد  
 به «فروغ» آه همین بود و وفاداری دل  
 بعد هفتاد ز عمرش هوس شعر افتاد  
 عار بادم همه عمر ز بی عاری دل

● ● ●

برای اینکه خوانندگان ارجمند با انشاء و نگارش میرزا محمد منشی نائینی بیشتر آشنا شوند سه قطعه از منشآت انتخاب و اینجا نقل می‌گردد:



## قب له افصح در درمزش هزاره کاخ حیدر میرزا الکاشی

محمد لایحه مدد که محمد نام او نام از مد نظر عداد شش هفتاد و پنج و در کسر که در درمزش هزاره  
 بهایش بس کم به نامید پناز کردن شاد به تیش و تایشه شایزم نیش فخرت الد درمزش هزاره  
 بود و لم کین که تو او احد که در هم نصد شش عشر کله را جمال مرزونی و همون پر و تیز طاش خیال  
 خرد مندان را با همی بوزنه خاطر مدد مع را با تها و بنای محمد تیزت کفر آله الف ششم را بطه استی  
 داده که به چیک با با وجود دیگر صورت نوعی چینی با با با علور و اما شش را با با تلف با تکلیف  
 سبب همی الرحمن و ذاعدا تری علی چنان سکه که موالید شش به صمد زرد و بان قهر و وجود نماید  
 آنکه سود کو اکب را در مناظر و رها بصیرت در حیات منظر تری آید اراج به جاز در هم برابر با لایحه شش  
 منظر تری چای ارایه و ما ساکنان قصور و در هم در منظر نظر ایتناج فخرت شش هزاره

«... دیگر اسباب نفیسه و اشیای بدیعه از آینه‌های هفت ذرع و هشت ذرع بدیع منظر، و ساعت‌های لطیف صنعت ثمین گوهر، و اقمشه ناعمه لطیف و زربفتهای فاخره ظریف که در بیوتات خاصه جمع می‌آید، و به صرف و به خرج می‌رود، همیشه آن مقدار موجود است که محاسب و هم از حصر عداد انواع عاجز، و الزام اختصار تفصیل اقسامش را حاجز<sup>۳۳</sup> است. وقتی عرض کتابخانه مبارکه در نظر اهتمام جناب سعادت‌آب معتمدالدوله میرزا عبدالوهاب<sup>۳۴</sup> مقرر گردید از کتابهای مشهوره نظم و نثر که اکثر مذهب و مزین به خط کتاب صاحب فن بود، با مرقعات خط خوشنویسهای معروف، پنج هزار و ششصد جلد معروض افتاد.» (ص ۲۲)

۷- تاریخ انساب خاندان‌های نائین، حجت بلاغی، ۱۳۲۹ ش/ ۱۳۶۹ ق تهران.  
 ۸- تذکره سخنوران نائین، تالیف جلال بقائی نائینی، کتابفروشی تاریخ، ۱۳۶۱، تهران.  
 ۹- صفحه سی کتاب مورد بحث.  
 ۱۰- بیگلربیگی اصفهان که در سال ۱۲۲۱ ق به تهران احضار و لقب امین‌الدوله گرفت و وزیر استیفا شد و عبدالله خان امین‌الدوله پسرش حاکم اصفهان گردید.  
 ۱۱- در سال ۱۲۳۰ بود که به دنبال آن احوال دو نفر چینی را می‌آورد که از شیعیان ساکن چین بودند و به کار پارچه فروشی اشتغال داشتند. چنین به نظر رسید که طبق دستور فتحعلی

کار ثابت دارم، این را هم می‌دانم که ملازمان سامی گاهی به رسم تفنن قلمرو صفحه را به عنبر افشانی خامه مشق رشک نوخطان ختایی می‌فرمایند. گو سطری هم عنوان توقیع قبول بندگی او را آراید، شاید به تربیت سرکار سیاه سفیدی از هم شناخته، یاقوت صفت سرخ رویی حاصل نماید.» (ص ۲۷۵)  
 اکنون با اینکه کتاب در دسترس همگان نیست، ولی با محتویات آن تا حدودی آشنا شدید، اما به یقین یکی از منابع مستند تاریخی محسوب است. توضیحات ضروری برای یک نام‌ها لازم است تا بسیاری از مسائل تاریخی روشن گردد. مهم‌تر از همه اینکه نیاز است تا علاقه‌مندان واقعی مباحث تاریخی نسخه منقح‌تری در اختیار داشته باشند تا محل فهم آنان نباشد. یادداشت‌های مفید آقای گلبن را در چاپ دوم ان شاء الله خواهیم دید.

### پی‌نوشتها:

شاه، میرزا محمد نائینی مهماندار آنان بوده است.  
 ۱۲- معروف به ایلیچی کبیر که وزیر امور خارجه بود.  
 ۱۳- گزارش گونه‌ای است به نظم و نثر در ۱۸ صفحه مربوط به سال ۱۲۳۲ که اهمیت فراوانی دارد. اسامی افسران روسی که همراه بودند آورده شده. جزئیات ورود و باریابی آنان در معیت اللهیار خان اصفالدوله حضور شاه ذکر می‌شود.  
 ۱۴- کامران میرزا پسر محمود شاه افغانی امیر هرات.  
 ۱۵- نامه‌های ۶۴ الی ۶۸ ظاهراً با هم مربوط هستند. اما نمره‌های جداگانه دارند. نامه‌ها بدون ابتدا و انتهایست و مغشوش است.  
 ۱۶- منظور گریبایدوف است که در سال ۱۲۴۵ او را کشتند.  
 ۱۷- حاج میرزا نصیر با این لقب مامور معالجه فرزند فتحعلی شاه عازم گیلان شد.  
 ۱۸- ملقب به عنابدلی کاشانی. این فرمان در سال ۱۲۲۸ صادر شده.  
 ۱۹- داخل فرمان لقب او حشمت السلطنه نوشته شده.  
 ۲۰- این منصب ظاهراً در سال ۱۲۴۲ به آصف‌الدوله داده شده. قبل از وی میرزا محمد شفیع مازندرانی مقام صدارت داشت و قبل از او هم حاجی ابراهیم کلانتر ملقب به اعتمادالدوله سالهای مدید عهده‌دار صدارت بود که به دستور فتحعلی شاه کور و سپس کشته شد.  
 ۲۱- پسر حاج محمدحسین صدر بیگلربیگی اصفهان (امین‌الدوله اول) عبدالله خان در سال ۱۲۲۸ به تهران رفت و لقب (امین‌الدوله دوم) به وی اعطا گردید.  
 ۲۲- نام وی عبدالحسین بود که در مقدمه گردآورنده یاد نشده است.  
 ۲۳- در چاپ «تنک».  
 ۲۴- جداکننده، واقع شده میان دو چیز.  
 ۲۵- میرزا عبدالوهاب نشاط اصفهانی غزلسرای معروف منظور است.  
 ۳- شرح بیشتر را در حدیقه الشعرا (ادب و فرهنگ در عصر قاجاریه) تالیف سیداحمد دیوان بیگی شیرازی به تصحیح و تحشیه دکتر عبدالحسین نوایی (سه جلد) انتشارات زرین، تهران ۱۳۶۵ بجوبید.  
 ۴- سرفه کردن به منظور صاف کردن صدا  
 ۳- اگر این کلمه «پسرش» بود، البته مفهوم تغییر می‌کرد.  
 ۴- به نقل از کتاب رجال دوره قاجار، تحقیق حسین سعادت نوری (ص ۱۱۶)، انتشارات وحید، ۱۳۶۴ (طی شرح حال میرزا عبدالله خان امین‌الدوله فرزند میرزا حسین صدر) نامه را کوتاه کردم.  
 ۵- تاریخ بیداری ایرانیان تالیف ناظم الاسلام کرمانی، به اهتمام علی اکبر سعیدی سیرجانی، انتشارات آگاه و انتشارات زرین، تهران ۱۳۶۲.  
 ۶- جامع جعفری، تالیف محمد جعفر طرب نائینی، به اهتمام ایرج افشار، انجمن آثار ملی، تهران ۱۳۵۳.

«یکی از امیرزادگان والانژاد از کتاب مثنوی مولوی انتخابی نموده برحسب اشارت این مختصر برای عنوان مرقوم شد.

بعد از تمهید توحید واحد بی‌همتا و مدبر مثنوی صیف و شتا، و تقدیم تسلیم سالک مسالک لیله الاسری و آل و اولاد او، عارفان معارف سر و نجوی، بنده درگاه خلاق، امیدگاه اقل چاکران فدویت، امیرچنگیز را به خاطر رسید که لالی شاهوار چند از بحر الدرر کتاب مستطاب مثنوی مولوی انتخاب و نثار پیشگاه حضور شاهنشاه اسلام پناه دین پرور، خسرو مجاهد معدلت گستر، منتخب مجموعه معالی اخلاق، مالک ممالک اقالیم آفاق، ظل ممدود پروردگار، حامی شریعت احمدمختار، سلطان اعظم اکرم محمدشاه قاجار، لازالت اعلام نصرته مرفوعه را دست آویز عرض چاکری ساخته، انشاءالله تعالی منظور انتظار قبول و موجب حصول مامول آید. فی سنه ۱۲۵۶» (ص ۹۲)

«رقعه‌ای که به یکی از ارباب خط در سفارش تعلیم یکی از فرزندان مستعجلاً نوشته شد.»  
 بنده‌زاده عبدالحسین اگرچه سرخط ارادت موروث را ضبط مجموعه بندگی دارد، ولی بدین راه که خود را به شخصه معروف خدمات با سعادت نماید و در سیاق صداقت سررشته جدید از تعلیق عهد خدمت به دست آورده، غبار گمنامی از رقعه احوال زداید، به مشق نستعلیق قلم نسخ کشیده و تعلیم شکسته را نیز منحصر به طفرای تفقدات سرکار داشته، حتی آنکه تخدیر بنده را هم از ارتکاب جسارت‌های چنین موقع، ثلث خردلی باقی نمی‌گذارد. سهل است که از بوستان ارادتم استشمام رایحه ریحان توسل و ترسل توقع دارد. بنده هم که شیوه گستاخی را در آن سر